

## سوره‌ی مطففین

### بنام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر

۱- وای بر کم‌فروشان. ۲- آنها که وقتی برای خود کیل می‌کنند حق خود را به طور کامل می‌گیرند. ۳- اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران کیل یا وزن کنند کم می‌گذارند! ۴- آیا آنها باور ندارند که برانگیخته می‌شوند. ۵- در روزی بزرگ. ۶- روزی که مردم در پیشگاه رب‌العالمین می‌ایستند. ۷- چنین نیست که آنها (درباره قیامت خیال می‌کنند) مسلمانان را فاجران در سجين است! ۸- تو چه می‌دانی سجين چیست؟ ۹- نامه‌ای است رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی. ۱۰- وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان. ۱۱- همانها که روز قیامت را انکار می‌کنند. ۱۲- و تنها کسانی آن را انکار می‌کنند که متجاوز و گنهکارند. ۱۳- همان کس که وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: این افسانه‌های پیشینیان است! ۱۴- چنین نیست که آنها خیال می‌کنند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته! ۱۵- چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند. ۱۶- سپس آنها مسلماً وارد دوزخ می‌شوند. ۱۷- بعد به آنها گفته می‌شود این همان چیزی است که آن را تکذیب می‌کردید! ۱۸- چنان نیست که آنها (درباره معاد) خیال می‌کنند، بلکه نامه اعمال نیکان در علیین است. ۱۹- و تو چه می‌دانی علیین چیست؟! ۲۰- نامه‌ای است رقم زده شده و سرنوشتی است قطعی. ۲۱- که مقربان شاهد آند. ۲۲- مسلماً نیکان در انواع نعمت متنعمند. ۲۳- بر تخت‌های زیبای بهشتی تکیه کرده و به زیباییهای بهشت می‌نگرند. ۲۴- در چهره‌های آنها طراوت و نشاط نعمت را می‌بینی. ۲۵- آنها از شراب زلال دست نخورده‌ی سربسته‌ای سیراب می‌شوند. ۲۶- مهری که بر آن نهاده شده از مشک است، و در این نعمتهای بهشتی باید راغبان بر یکدیگر پیشی گیرند! ۲۷- این شراب (طهور) ممزوج با تسنیم است. ۲۸- همان چشمه‌ای که مقربان از آن می‌نوشند. ۲۹- بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند. ۳۰- و هنگامی که از کنار آنها (جمع مؤمنان) می‌گذشتند آنها را با اشارات مورد سخریه قرار می‌دادند. ۳۱- و هنگامی که به سوی خانواده خود باز می‌گشتند مسرور و خندان بودند. ۳۲- و هنگامی که آنها (مؤمنان) را می‌دیدند می‌گفتند: اینها گمراهانند. ۳۳- در حالی که آنها هرگز مأمور مراقبت و متکفل آنان (مؤمنان) نبودند. ۳۴- ولی امروز مؤمنان به کفار می‌خندند. ۳۵- در حالی که بر تخت‌های مزین بهشتی نشسته‌اند و نگاه می‌کنند. ۳۶- آیا کفار پاداش اعمال خود را گرفتند؟!



## مفاهیم

### ایمان و عمل صالح

انسان موجودی دو بعدی است و به واسطه آن دارای استعدادهای مثبت و منفی است. قرآن کریم عوامل رشد استعدادهای مثبت انسان را معرفی کرده است

که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از ایمان و عمل صالح.

منظور از ایمان، اعتقاد قلبی به خدا و تسلیم در برابر فرامین و اوامر الهی

است. از این رو قرآن کریم بر آن است انسانی را تربیت کند که تمام اعمالش ناشی

از انگیزه الهی بوده و تمام کردارش رنگ خدایی داشته باشد.<sup>۱</sup>

عمل صالح در قرآن دارای ویژگی‌هایی است از جمله:

۱- منشأ تحقق آن ایمان به خدا و روز رستاخیز باشد.<sup>۲</sup>

۲- همراه با اخلاص باشد<sup>۳</sup>

۳- انسان را در مسیر رشد و هدایت قرار دهد.<sup>۴</sup>

بنابراین چنانکه قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ...»<sup>۵</sup> ای کسانی که

ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید. عمل صالح، عمل توأم با تقواست که به

منظور کسب رضای الهی انجام می‌شود.

براساس قرآن کریم عمل، سازنده شخصیت انسان است و مراتب و درجات

کمال انسان به آن بستگی دارد به همین دلیل فرموده است: «برای هر کس،

درجاتی است از آنچه عمل کرده» از اینرو قرآن کریم با جدیت نظارت الهی بر

اعمال انسان را مطرح نموده است: «... وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا

۱. مبانی انسان‌شناسی در قرآن ص ۲۵۷

۲. البقره / ۶۲

۳. البینه / ۵

۴. یونس / ۹

۵. الحديد / ۲۸

إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ  
مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ<sup>۱</sup> و هیچ عملی را انجام نمی دهید، مگر اینکه  
ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می شوید و هیچ چیز در زمین  
و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای، و نه  
کوچک تر و نه بزرگتر از آن نیست، مگر اینکه (همه آن‌ها) در کتاب آشکار (و لوح  
محفوظ علم خداوند) ثبت است.

## حروف ناخوانا

در قرآن کریم حروفی وجود دارد که نوشته شده ولی خوانده نمی‌شوند. این حروف عبارتند از: «و، ا، ل، ی» که به حروف «والی» مشهور شده‌اند. در قرآن کریم فقط چهار حرف «و، ا، ل، ی» به عنوان حروف ناخوانا شناخته شده‌اند. حروف ناخوانا به دو گروه تقسیم می‌شوند.

الف) حروف همیشه ناخوانا

ب) حروف گاهی ناخوانا

## حروف همیشه ناخوانا

پایه همزه:

گاهی حروف «و، ا، ی» پایه برای همزه قرار می‌گیرند که در این صورت فقط همزه خوانده شده و حروف پایه ناخوانا می‌باشند  
مانند: يَا تِي، فَتَاتُونَ، شَانِهِمْ، أَنْبِيَهُمْ، لَيْنٌ، يُؤَخِّرَ.  
یادسپاری: در این گونه موارد چنانچه همزه مکسور باشد به همراه حرکت کسره در زیر حرف پایه نوشته می‌شود مانند: لَيْنٌ، اَيْمَةٌ، بَارِكُمْ، اللُّؤْلُؤُ  
در برخی قرآن‌ها با قرار دادن حرکت یا سکون روی الف نیازی به قرار دادن شکل همزه روی الف ندیده‌اند.

## پایه الف مدی:

دو حرف «و» و «ی» پایه برای الف مدی قرار می‌گیرند که در این صورت به جای دو حرف واو و یاء الف مدی خوانده می‌شود.

مانند: رَكْوَةٌ، كَمِشْكُوَةٌ، يَتَزَكَّى، فُرَادِي، أُسَارِي، نَرْنَك، أَدْرَنَك، هُدْنَهَا، بَنْنَهَا،

مُرْسِنَهَا

یادسپاری: در مورد پایه همزه و الف مدی چنانچه همزه و الف پایه نوشته

شوند، واو، الف و یاء قبل یا بعد از آن‌ها خوانده می‌شود.

مانند: جَاءُوهَا، مَسْئُولًا، شَيْءٌ.

## الف بعد از واو:

الف جمع در آخر کلمه و بعد از واو جمع می‌آید و خوانده نمی‌شود مانند:

عَامِنُوا، كَفَرُوا، كُفِبُوا.

در برخی موارد حرف واو در آخر کلمه واو جمع نبوده یا ناخواناست ولی الف

ناخوانا بعد از آن آمده است.

مانند: أَشْكُوا، يَتَلُوا، نَبَلُوا، تَدْعُوا.

یادسپاری: ۱- گاهی بعد از واو جمع، الف ناخوانا نیامده است.

مانند: فَأُو، بَاءُو، عَتُو، سَعُو.

۲- الف بعد از واو در کلمه «ذَوَا» خوانده می‌شود.